

از گوشه و کنار

المیرا حاج محمدی

تلفن همراه یا مترجم همزمان؟

این روزها در مجلات گوناگون خبر داغ مترجمان الکترونیکی ریز و درشتی را می‌بینیم که با هوش مصنوعی‌شان وارد بازار می‌شوند: وُرد لنز (word lens)، اسپیک آند-ترنسلیت (speak and translate)، آی ترنسلیت و بالاخره محصول اخیر شرکت مایکروسافت اسکایپ ترنسلیتر (Skype translator) که بنا بر گفته شرکت مایکروسافت مترجم همزمان تماس‌های صوتی و تصویری است؛ روش کار به این صورت است که بعد از نصب این آپلیکیشن یکی از دوستانتان را انتخاب می‌کنید، دکمه ترجمه همزمان را روشن می‌کنید و پس از برقراری تماس ویدئویی و یا صوتی با فرد مورد نظرتان تمام جملاتتان به صورت زنده و همزمان به زبان طرف مقابلتان ترجمه می‌شود و مکالمه‌هایتان در پنجره آبی‌رنگ واقع در گوشه صفحه نمایشگرتان ثبت می‌گردد تا از آن مطلع گردیده و در صورت لزوم اشتباهات آن را اصلاح نمایید.

شاید کسانی که فیلم پیشتانان فضا را دیده‌اند از خود بپرسند که آیا شرکت مایکروسافت با مترجم اسکایپ خود توانسته مترجم همزمان الکترونیکی را که در این فیلم، رؤیایی بیش به نظر نمی‌آمد، به واقعیت تبدیل کند یا نه. شرکت مایکروسافت نیز مدعی است که با ساخت این نرم‌افزار محدودیت‌های مکالماتی میان مردم جهان را زیر پای مترجم الکترونیکی‌اش خرد کرده است! و نیز در مقالات تبلیغاتی که به معرفی این آپلیکیشن می‌پردازند، از عبارت «تلفن همراهتان را به مترجمی جهانی تبدیل کنید» استفاده شده است. حتی در یکی از مجلات ترجمه آمده است: «این نرم‌افزارها می‌توانند در برقراری ارتباط با شرکای تجاری یاورتان باشند»، ادعایی که حتی خود شرکت مایکروسافت در مورد آپلیکیشنش نکرده است و با قطعیت اعلام ننموده که این نرم‌افزارها می‌توانند برای مقاصد تجاری، سیاسی و یا اقتصادی مورد استفاده قرار بگیرند! اجازه بدهید کمی تأمل کنیم و قدری واقع‌بینانه‌تر در مورد این آپلیکیشن‌ها صحبت کنیم.

بالاخره هوش این‌ها هر قدر هم که پیشرفته باشد، مصنوعی است، به هوش خدادادی بشر که نمی‌رسد. پس به این راحتی‌ها هم نمی‌توانیم به این گجت‌های کوچک اطمینان کنیم و به همین سادگی ارتباط با شرکای تجاری خود را به دست آن‌ها بسپاریم.

در تبلیغات خود شرکت مایکروسافت نیز این مسئله با صراحت عنوان شده که «در هنگام مکالمه واضح و شمرده شمرده سخن بگویید». حال اگر واضح سخن نگوئیم چه اتفاقی می‌افتد؟ «مترجم جهانی‌تان» کلمات شما را اشتباه متوجه شده و در نتیجه ترجمه منتقل شده به دوستان نیز بی‌ربط و یا حتی گاهی مضحک بوده و در نتیجه یا اسباب خنده می‌شود یا اسباب سوء تفاهم. تا شما بفهمید چه اشتباهی کرده‌اید کار از کار گذشته است. نمونه بارز این نوع آپلیکیشن گربه سخن‌گو است که این روزها روی اکثر موبایل‌ها با سیستم عامل آندروید نصب است: گاهی اوقات دستگاه در فهم سخنان شما دچار مشکل می‌شود و جمله شما را به غلط به گربه سخن‌گو انتقال می‌دهد و گربه نیز به سوال شما، پاسخی اشتباه یا بی‌ربط می‌دهد. چنین مشکلی برای مترجم اسکایپ هم ممکن است پیش بیاید. در نتیجه، هنگامی که از «مترجم جهانی‌تان استفاده می‌کنید»، حواستان باشد که شمرده شمرده و واضح سخن بگویید و زمانی که خیلی خسته هستید و می‌دانید که عضلات صورتتان دیگر یاریتان نمی‌کند و یا هنگامی که قصد دارید با شرکای تجاری‌تان صحبت کنید، از این آپلیکیشن استفاده نکنید!

همان‌طور که شرکت مایکروسافت در تبلیغات خود عنوان نموده است در حال حاضر این آپلیکیشن برای زبان‌های اسپانیایی، چینی، ایتالیایی و چند زبان مشابه دیگر قابل استفاده است و زبان‌های دیگر نیز به تدریج افزوده خواهند شد؛ اما سوال اینجاست که آیا مترجم همزمان اسکایپ در ترجمه از زبان‌هایی همچون انگلیسی که ساختارهای صرفی پیچیده‌ای ندارد به زبان‌هایی همچون عربی که مملوء از ساختارهای صرفی پیچیده است نیز با این کیفیت عمل خواهد کرد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش باید به نتایج یکی از تحقیقات آماری که در دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند و توسط فیلیپ کوهن بر روی کیفیت سیستم‌های ترجمه ماشینی صورت گرفته مراجعه کرد. نتیجه این تحقیق حاکی از آن است که ارزشیابی کیفیت ترجمه ماشینی سخت است. این محقق معتقد است که نقطه ضعف این برنامه‌ها و آپلیکیشن‌های ترجمه در زمینه یافتن معادلی مناسب برای حروف اضافه، حروف تعریف و یا پسوندها و پیشوندهای صرفی و یا نقش‌دار زبان می‌باشد. وی معتقد است که این آپلیکیشن‌ها در ترجمه از زبان‌هایی با

ساختارهای پیچیده‌تر به زبان‌هایی با ساختارهای ساده‌تر، بهتر عمل می‌کنند، حال آنکه در ترجمه از زبان‌هایی با ساختارهای ساده‌تر به زبان‌هایی با ساختارهای پیچیده‌تر دچار مشکل می‌شوند. در نهایت باید گفت که چالش‌های بسیاری پیش روی ترجمه‌های ماشینی قرار دارد که ارزشیابی دقیق آن‌ها را دشوار می‌سازد. حقیقت امر آن است که نمی‌توان به طور صددرصد گفت این آپلیکیشن‌ها خوب و یا حتی بد هستند و کورکورانه تصور کرد که با این برنامه‌های ترجمه‌همزمان، تمام مشکلات ترجمه شفاهی حل شده است و روزی این آپلیکیشن‌ها جایگزین مترجمان انسان خواهند شد. مسلماً از این آپلیکیشن‌ها نمی‌توان برای برقراری ارتباط‌های تجاری، اقتصادی و یا سیاسی بهره برد ولی شاید بتوان از آن‌ها برای ارتباط با دوستان و یا برطرف نمودن نیازهای روزمره استفاده کرد.

روش غلط‌یابی در نقد ترجمه

از اخبار داغ ترجمه در فصل گذشته بحث پرشوری بود میان منتقدان و مترجمان در فضای مجازی درباره وجود اغلاط در ترجمه. چند تن از خوانندگان با تحلیل جمله به جمله ترجمه‌های پیمان خاکسار به وجود غلط‌های فراوان در این ترجمه‌ها اشاره کرده و او را به مواردی از خیانت در امانت از جمله حذف، تغییر، تحریف و وارونه‌نمایی متهم کرده‌اند. برخی مترجمان هم در برابر این موج حمله ضمن قبول برخی ایرادها به دفاع از حیثیت و ضرورت ترجمه در شرایط کنونی برخاسته‌اند. این نوع نقد در گذشته هم سابقه داشته و دامن مترجمان بزرگی مثل نجف دریابندری را گرفته است. روزنامه‌های داخلی هم به تاسی از فضای مجازی بیش‌تر به انعکاس نظرات مخالف این شیوه نقد پرداختند. صفحه فرهنگی بی‌بی‌سی هم از طیف گسترده‌ای از مترجمان و صاحب‌نظران درباره این شیوه نقد نظرخواهی کرد. غالب این افراد هم این شیوه نقد را مذموم دانستند. سردبیر مجله مترجم در دو مقاله متفاوت به بحث تحلیلی و غیراحساسی درباره این شیوه نقد پرداخته است. در مقاله اول با عنوان «نقد ترجمه در ایران: روش‌ها و آسیب‌ها» (نامه فرهنگستان، شماره ۵۵)، از منظری تاریخی به این شیوه نقد ترجمه نگاه کرده و در مقاله دوم که در همین شماره مترجم به چاپ رسیده به تحلیل نقدهای نوشته بر این شیوه نقد پرداخته است.

مترجمان علوم انسانی و غرب‌گرایی

ابراهیم فیاض جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با جوان بدون ارائه هیچ دلیل و سندی نظری درباره مترجمان کتب علوم انسانی داده که درخور توجه است: ایشان می‌گویند: متأسفانه به صورت نرم شاهد یک تهاجم فرهنگی از سوی این کتب ترجمه‌ای هستیم که خودمان هم آن را احساس نمی‌کنیم. برخی از مترجمان این کتب به خصوص در حوزه علوم انسانی با سفارت‌های کشورهای غربی ارتباط‌های مستقیم دارند و سفارش ترجمه می‌گیرند و در عوض سفارت نیز به آنان در دانشگاه‌های اروپایی از جمله انگلیس و فرانسه اقامت و بورس تحصیلی می‌دهد و این مترجمان غرب به عنوان مکمل پازل استعمار ملت ایران که خواست غرب است، نقش آفرینی می‌کنند. ایشان در ادامه می‌گویند: در کتب ترجمه‌ای، هیچ اثر فاخری که در نقد تئوری‌های غرب باشد دیده نمی‌شود؛ بلکه مدام شاهد ترجمه‌های کتبی هستیم که در حال بهشت‌سازی از غرب هستند در حالی که ساختار معرفتی کشور برخاسته از حوزه علوم انسانی بوده و اتکا و وابستگی به این نوع ترجمه‌ها فرهنگ وابسته تولید می‌کند. روشنفکران غرب‌زده با این ترجمه‌های سبک، دنبال بی‌سواد نگه داشتن جامعه هستند تا بتوانند جایگاه خود را تثبیت کنند و کشورهای غربی نیز از این مترجم‌ها و حتی مترجم‌های کتب مبتذل به شکل ویژه حمایت می‌کنند.

انتشار ترجمه‌ای پس از چهار سال!

سرانجام رمان «دشمنان» به قلم آیساک باشویس سینگر و به ترجمه احمد پوری منتشر شد. احمد پوری می‌گوید چهار سال برای انتشار رمانش انتظار کشیده است! به گفته مترجم، خوانندگان با راوی دروغگویی سروکار دارند که خیلی هم نباید به او اعتماد کنند، ولی نباید زیاد نگران باشند چون به محض شنیدن دروغ‌های راوی شیفته او می‌شوند. کسانی که شیفته حادثه عشق در خلال جنگ جهانی دوم هستند، خواندن این رمان زیبا را از دست ندهند. نویسنده این رمان، آیساک باشویس سینگر از نویسندگان مطرح لهستانی است که برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۷۸ است. سینگر رمان‌هایش را به زبان مادری‌اش، زبان ییدیش، می‌نویسد. سینگر در رمانش نشان می‌دهد که افراد در زندگی خود نیاز دارند تا به امری بزرگتر و قدرتمندتر از خود باور قلبی داشته باشند، خواه این امر خدا باشد، مذهب باشد یا هرچیز دیگر. افراد برای زندگی کردن بهانه و هدف می‌خواهند. وی در رمانش نشان می‌دهد که چگونه حضور نیروهای

شیطانی در دنیا اعتقاد به خداوند را سست می‌کند. او گذشته را در مقابل آینده قرار می‌دهد و با کمک قهرمان داستانش نشان می‌دهد که شاید گذشته بتواند شرایط زندگی ما را تغییر بدهد، اما مسلماً بر خودِ واقعی ما تأثیری نخواهد گذاشت و در نهایت ما قربانیان تصمیمات خودمان هستیم، نه قربانیان تقدیر! به راحتی می‌توان گذشته را پشت سر گذاشت، اما تحقق این امر، باوری قلبی به آینده‌ای روشن را می‌طلبد. به اعتقاد سینگر، ما انسان‌ها اغلب در دام حماقت‌ها و رفتارهای خودتخریب‌گرانه خود می‌افتیم و تنها حضور یک روح بخشنده در وجودمان است که وفاداری و تعهد را در ما نهادینه می‌کند. در نهایت سخن سینگر این است که جامعه مدرن بیش‌تر با ماده سروکار دارد تا با جوهره! و اینکه ضعف و خودخواهی انسان سرچشمه تمام شرارت‌های بشری است.

با صدرنشین بازار کتاب تهران در سال ۹۴ بیش‌تر آشنا شوید.

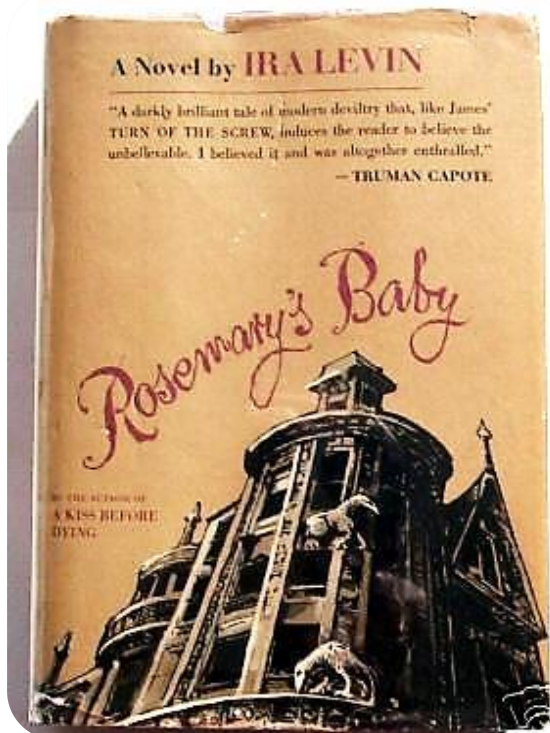
صدرنشین بازار کتاب تهران در سال ۹۴ رمان جزء / از کل نوشته استیو تولتز به ترجمه پیمان خاکسار است. مترجم می‌گوید هیچ وصفی، حتی حرف‌های خود نویسنده در مورد رمان نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند. با این کتاب به قلم نویسنده موفق استرالیایی، استیو تولتز، سفر خود را به لایه‌های ژرف و ناشناخته روح انسان آغاز کنید. با کمک راوی داستان، جاسپر دین، که پسری فلسفی و ایده‌آلیست است، وارد دنیای شگفت‌انگیز او و پدرش شوید، دنیایی بس عجیب که با ورود به آن گذر زمان را حس نخواهید کرد. جاسپر دین به زبان خود به توصیف ارتباط سرد میان خود و پدرش می‌پردازد. کم‌دی سیاهی که استیو تولتز در طی پنج سال توانسته آن را بیافریند و خواننده را آن‌چنان جذب کند که با وجود حجم زیاد کتاب، تا کتاب را تمام نکرده از خواندن آن دست نکشد.

نشر کلاغ و کتاب منتشر شده جدیدش

بچه رزماری عنوان رمانی آمریکایی به قلم ایرا لوبین است. این رمان را بیش‌تر به خاطر برداشت سینمایی آن می‌شناسند. محمد قائد مترجم این رمان در مقدمه ترجمه می‌نویسد: «...وقتی کتابی بسیار فروش می‌کند ممکن است برگردان تصویری‌اش ماندگار شود و اصل متن از یادها برود. رمان نسبتاً کوتاه بچه رزماری که رومن پولانسکی، کارگردان لهستانی تبار در امریکا فیلمی براساس آن ساخت از دسته اخیر است.»

منتقدان آمریکایی این رمان را شاهکاری اصیل می‌دانند. اگرچه این رمان بسیار پرفروش شد، اما نتوانست همچون برگردان تصویری داستان جایگاه خود را در میان خوانندگان ادبیات وحشت بیابد و این برگردان تصویری اثر بود که در یادها ماند. آیرا لَوین نویسنده کتاب در مَنهَتَن نیویورک به سال ۱۹۲۹ به دنیا آمد. نخستین رمان وی با عنوان *بوسه پیش از مرگ* موفقیتی بزرگ بود که جایزه ادگار را از آن خود کرد. اما شناخته‌ترین رمان آیرا لَوین *بچه رزماری* است که با ژانری ترسناک در روزگاری مدرن رقم می‌خورد. داستان در مورد زنی به نام رزماری وودهاوس است که به همراه همسرش گای که هنرپیشه است، به آپارتمانی قدیمی در نیویورک نقل مکان می‌کنند. خانه‌ای وهم‌انگیز با تاریخچه‌ای مشکوک. اما این زوج بدون اعتنا به گذشته خانه به زندگی خود در آنجا ادامه می‌دهند...

تصویر مقابل طرحی از جلد کتاب اصلی است. تصویری که از منظر نشانه‌شناسی، نشانه‌ای تصویری بوده و به داستان اصلی که حول محور این ساختمان قدیمی می‌چرخد دلالت دارد. خواننده با دیدن تصویر روی جلد تصور می‌کند در خیابانی ایستاده



و از پایین به عمارتی می‌نگرد و همین شیوه نگریستن از پایین به بالا حس وحشت، عظمت و رمزآلود بودن این عمارت را به بیننده منتقل می‌کند. ساختمان رنگی نیست بلکه با رنگ‌های تیره و گرفته رنگ‌آمیزی شده است و در داخل ساختمان خبری تاریک است. این رنگ‌های تیره، تاریکی داخل ساختمان و سایه روشن‌های به کار رفته در رنگ‌آمیزی عمارت، بر سرنوشت شوم و پلید و نفرین‌شده آن دلالت دارد و

پیکره‌های وهم‌انگیز موجود در نمای ساختمان وحشت و هراس را به خواننده منتقل می‌سازد. اما متأسفانه مترجمان و ناشران، گاه به تصاویر روی جلد و پیام‌هایی که از طریق نشانه‌های تصویری به خوانندگان منتقل می‌شود بی‌اعتنا هستند، یا تصاویر را بنا بر سلیق خود تغییر می‌دهند. تصویری که نشر کلاغ برای رمان جدید خود انتخاب نموده است تصویری برگرفته شده از اقتباس سینمایی رمان است که اشاره‌ای سطحی به نام داستان دارد نه به تم اصلی آن. شاید بهتر بود از همان تصویر روی جلد کتاب اصلی استفاده می‌شد که بیشتر تمرکز آن بر عمارت است تا خود رزماری و بچه‌اش.

دوبله یا زبان اصلی؟ کدام را می‌پسندید؟

امروزه بازار تولید انیمیشن‌های رنگارنگ با موضوعات جذاب حسابی داغ است، به گونه‌ای که کودکان و نوجوانان ایرانی نمی‌گذارند حتی یک انیمیشن هم ندیده از زیر دستشان در برود. آن‌ها این انیمیشن‌ها را که اکثراً در کشورهای انگلیسی‌زبان تولید می‌شوند همه‌جا می‌بینند، در تبلت، در صدا و سیما یا در کلاس‌های زبان و امثال این‌ها. ساخت و دیدن این انیمیشن‌ها سر دفاتر و مدیران دوبلاژ را حسابی شلوغ کرده است. شرکت‌های سازنده برای جذابیت بخشیدن به انیمیشن‌هایشان گاه از هنرپیشه‌های خبره برای دوبله استفاده می‌کنند؛ گاه حتی هنرپیشه‌ها خود به جای شخصیت‌های داخل انیمیشن‌ها ایفای نقش می‌کنند. اما از حق نگذریم دوبله‌های ما کجا و دوبله‌های آن‌ها کجا؟ اگر حرف مرا قبول ندارید، یک روز کودک درونتان را آزاد کنید و در خلوت به تماشای دوبله فارسی و نسخه اصلی انیمیشن عصر یخبندان بنشینید، آنگاه متوجه برتری دوبله ایران می‌شوید. به گمان من، رمز برتری دوبله فارسی اکثر این انیمیشن‌ها هم ترجمه خوب مترجمان، هم دوبله حرفه‌ای دوبلورهای ایرانی و هم جذابیت خود زبان فارسی است. لازمه ترجمه چنین تولیداتی، مهارت مترجمان در ارائه شوخ طبعانه‌ترین، نزدیک‌ترین و بومی‌ترین معادل برای جملات و دیالوگ‌های خارجی می‌باشد.
